اتفاق مهم چیست؟

توصیه‌هایی برای گسترش فضای گفت و گو درباره آب

تهیه‌کننده: انوش نوری اسفندیاری

طراحی و صفحه‌بندی: دبیرخانه اندیشکده تدبیر آب ایران

چاپ اول: فروردین ۹۷

این نوشتار پیش‌تر با مشخصات زیر چاپ شده است:

«درباره آب گفت و گو کنیم، دغدغه‌های آب و فرصت‌های گفت و گو. *آینده‌نگر*، شماره هشتاد و یک، اسفند ۹۷»

دیدگاه‌های طرح‌شده در این نوشتار، لزوماً به معنای دیدگاه‌های اندیشکده تدبیر آب ایران نیست.

نشانی: تهران. خیابان کریمخان. خیابان نجات‌اللهی شمالی. روبروی بیمارستان یاس. پلاک ۲۱۲. طبقه ۴. واحد ۴.

تلفن: ۸۸۹۴۷۴۰۰- ۸۸۹۴۷۳۰۰

www.iwpri.ir

اندیشکده تدبیر آب ایران

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
نقطه صفر	۱
پله اول	۲
پله‌های بعدی و هجوم واژگان	٤
اتفاق مهم چیست؟	۷
پرسش مهم و پاسخ‌های محتمل	۹

نقطه صفر

مدت‌ها، یعنی دهه‌ها، کار اصلی برنامه‌ریزی و مدیریت آب از آنِ دولت شده و گفت و گو در فضای عمومی کشور، به نحوه صرفه‌جویی در مصرف آب به منازل محدود است: بسته نگه‌داشتن شیر آب هنگام مسواک‌زدن، شستن ظروف با آب کمتر، کوتاه‌کردن مدت دوش‌گرفتن در حمام، استفاده درست از شلنگ آب در حیاط و پارکینگ و اخیراً، کاهش حجم فلاش‌تانک‌ها و مهم‌تر از همه، پرداختن به تلفات آب در کولرها. با مشخص‌شدن سهم مصارف شهری در کل مصارف، بعضاً شهرنشین‌ها تأثیر صرفه‌جویی‌های خود را در حل کمبودها ناچیز و کم‌اثر انگاشتند و حرکت در روستاها را مهم‌تر می‌دانند.

برای روستاها هم نسخه آماده است: تغییر روش آبیاری و کاهش تبخیر آب در مزارع. از آن همه دغدغه‌ها و انتقادهایی که نسبت به برنامه‌های عمرانی در اسناد نظام برنامه‌ریزی و فنی و اجرایی کشور وجود داشته و دارد، و برخی حدود نیم‌قرن سابقه دارند- از نظر بهره‌برداری اقتصادی از سدها مخزنی، سازمان تولید کشاورزی و نظام بهره‌برداری از منابع آب، ناقص‌بودن اجرای طرح‌های مکمل سدسازی در بالادست (طرح‌های آبخیزداری) و پائین‌دست (طرح‌های سامانه‌های آبیاری و تسطیح و تجهیز مزارع) و موازنه تغذیه و برداشت منابع آب زیرزمینی- در جامعه و فضای عمومی خبری نبود و هنوز هم نیست.

پله اول

در اوایل دهه ۱۳۹۰ که موضوع کاهش میزان بارش‌های کشور از سوی مقامات مسئول برجسته شد، ابعاد مدیریتی منابع آب هم در کنارش مورد توجه قرار گرفت. برای نمونه، در دیماه سال ۱۳۹۳، شرکت مدیریت منابع آب ایران با انتشار آماری از بارندگی‌ها اعلام کرد که کشور در وضعیت «**بحران شدید آب**» قرارگرفته است. این گزارش هشدار داده است که: «**کاهش بارندگی نسبت به روند بلندمدت، مدیریت ناکارآمد منابع آب و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب**» باعث شدت‌یافتن کاهش منابع آب زیرزمینی در ایران شده است. وزیر وقت نیرو هم اعلام داشت که «**متوسط بارش کشور ما از ۲۵۰ میلی‌متر به ۲۴۲ میلی‌متر در سال کاهش پیداکرده و ما با مسائل بسیار جدی در موضوع آب و منابع آب روبرو هستیم، درنتیجه خشکسالی‌های پی در پی و تغییرات اقلیم، مجموع منابع آب تجدیدشونده کشور ما که تا حدود ۱۰ سال پیش یک‌صد و سی میلیارد مترمکعب به‌طور متوسط برآورد می‌شد، باکمال تأسف اکنون به ۱۲۰ میلیارد مترمکعب کاهش پیداکرده است.**» چیت‌چیان در ادامه سخنان خود نشانه‌هایی از بحران آب در کشور را برشمرد و گفت: «**خشک‌شدن تالاب‌ها و دریاچه‌های داخل کشور، بحران منابع آب زیرزمینی، رواناب رودخانه‌ها که طی ۱۰ سال گذشته به ٤٦ درصد رسیده و افزایش نیاز آبی از نشانه‌های خشکسالی در کشور است.**» وی تصریح کرد: «**اگر وضعیت مصرف آب همین‌گونه ادامه پیدا کند، وضعیت حاد ما حادتر خواهد شد.**»

ظاهراً در جستجوی اصلاح وضعیت مصرف آب، نگاه جامعه نسبت به موضوعات و مسائل نیز شروع به تغییر کرد و از سطح مدیریت مصرف در منازل و مزرعه فراتر رفت و به سطح مدیریت شرکت‌های کارگزار هم رسید. «**آب به‌حساب‌نیامده**» و تلفات بالای آب در سامانه‌های توزیع آب شهری، جدانبودن مصارف شرب و بهداشت از سایر مصارف خانگی، استفاده از آب لوله برای آبیاری فضای سبز، تلفات آب از منبع تا سر مزرعه- که همگی از عهده و مسئولیت مصرف‌کننده خارج است- موردتوجه فضای عمومی قرار گرفت. کمی بعد موضوعات پیچیده‌تری مطرح شدند مانند مکان‌یابی نادرست فعالیت‌ها نظیر احداث صنایع آب‌بر و آلوده‌کننده- چون ذوب‌آهن، فولاد و پتروشیمی- در مناطق خشک با اکوسیستم آسیب‌پذیر و شکننده، کشت برنج و هندوانه در مناطق خشک و نظایر آن، به‌این‌ترتیب واژه‌های «**آمایش سرزمین**» و «**اصلاح الگوی کشت**» و حتی سیاست‌های امنیت غذایی یا خودکفایی تولیدات کشاورزی به‌ویژه گندم- که قبلاً تنها در قلمرو مباحثات نظام برنامه‌ریزی به کار گرفته می‌شد- کاربران و مطالبه‌کنندگان جدیدی پیدا کردند. کشاورزان در کانون مطالبات قرار گرفتند و برخی از صاحبان تریبون و مسئولان وزارت کشاورزی به دفاع از آن‌ها پرداختند. کار به تردید در ارقام اعلام‌شده و میزان صحت اعداد و ارقام کشیده شد.

پله‌های بعدی و هجوم واژگان

توجه به نشانگرها و درک کمّی از موضوع قوت گرفت: **نسبت برداشت سالانه به‌کل منابع آب تجدیدپذیر** (نسبت وخامت یا بحران آب). بالاتربودن این نسبت (بیش از ۸۰ درصد) از حد مجاز آن (٤٠ درصد) به درک نسبی وخامت شرایط کمک کرد. البته مشاهدات آشکاری چون خشک‌شدن تالاب‌هایی چون گاوخونی، پریشان، شادگان و دریاچه‌هایی چون هامون و ارومیه، و گسترش فروچاله‌ها و شکاف‌های ناشی از فرونشست زمین در همه مناطق کشور، زنگ خطرهای بلندی بود که هر گوشی را با این فریاد آشنا می‌کرد. دیگر ممکن نبود روندهای تدریجی و مستمر کاهش آبدهی و شورشدن و خشک‌شدن چاه‌ها، کاهش رطوبت خاک، ایجاد چشمه‌های گرد و خاک و ریزغبار و تغییر ترکیب آلودگی در شهرها و برجسته‌شدن خطرات ریزگردها بر سلامت و اقتصاد کشور نادیده گرفته شوند. گویی بحث‌ها و مفاهیم همراه با خطرات و چاره‌اندیشی از یکدیگر سبقت می‌گیرند و یکی پس از دیگری، عرصه فضای عمومی را به تسخیر خود درمی‌آورند. ورود طرفداران محیط‌زیست در این عرصه، پای سدهایی را که یا پر نمی‌شوند، یا شوری آب را تشدید می‌کنند و یا باعث کاهش تغذیه آب زیرزمینی شده‌اند، به این عرصه باز کرد. مطرح‌شدن سهم سدسازی در فاجعه ارومیه و لزوم توقف یا رهاسازی آب از آن‌ها بُعد جدیدی را به مخالفت فضای عمومی با «نهضت سدسازی» اضافه کرد. بعد از آن نوبت مخالفت با طرح‌های انتقال آب رسید.

مشکلات تأمین و تخصیص آب حوضه زاینده‌رود به‌تنهایی همه جنبه‌ها را در خود داشت: احداث باغ‌ها در اراضی شیب‌دار پس از زمینه‌سازی طرح طوبی به دست وزارت کشاورزی در برنامه سوم توسعه، انتقال آب بیشتر یا جایگزین از سرشاخه‌های رود کارون، اعتراض به خط لوله انتقال آب به یزد، تأمین‌نشدن حقابه‌های پائین‌دست به‌ویژه در شرق اصفهان، خشک‌شدن تالاب، ریزگرد و غبار محلی و افزایش دشت‌های بحرانی از نظر فشار به ذخایر آب زیرزمینی. این گونه بود که مباحث اقتصادی تحت تأثیر گفتمان محیط‌زیستی قرار گرفت و موضوعات محیط‌زیستی با مباحث معیشتی و قومی و محلی گره خورد.

بحث انتقال آب بالا گرفت: انتقال آب از رودخانه سیروان برای نجات دریاچه ارومیه، دریاچه وان ترکیه برای همین کار، انتقال آب رودخانه‌ها حوضه آبریز و حتی دریای مازندران به استان سمنان، دریای عمان به فلات مرکزی و نظایر آن. در جایگزینی انتقال آب از تاجیکستان، شاید موضوع «**کشت فراسرزمینی**» بود که در این میان جایگاهی پیدا کرد. موضوع «**آب مجازی**» به نشست‌ها و سمینارها و رسانه‌ها راه پیدا کرد، اما چندان جدی گرفته نشد، چون حل مسائل با عرضه بیشتر آب از طریق استفاده از منابع آب ژرف و باروری ابرها و اغراق در این زمینه تا حدودی تمرکز افکار را از سازگاری با امکانات و مدیریت تقاضا سلب کرد.

در جریان تدارک برنامه ششم توسعه، لایحه پیشنهادی دولت درباره بخش آب برای نخستین‌بار بر اساس کاهش برداشت از

منابع آبی پیشنهاد و موضوع «**آب برنامه‌ریزی‌شده**» که قبلاً از طرف وزارت نیرو با هدف کاهش برداشت از منابع آب زیرزمینی ابلاغ شده بود، رسمیت بیشتری یافت. موضوع جلوگیری از توسعه سطح کشت، اصلاح الگوی کشت و افزایش بهره‌وری آب کشاورزی در این برنامه بارز بود. اما کارها برای بخش آب همچنان بر محور «**طرح تعادل‌بخشی**» بود که بیشتر محتوای آن، سابقه پنجاه‌ساله داشت و نتوانسته بود «**دشت‌های ممنوعه**» را به تعادل برساند، بلکه رقم آن‌ها از ٤٠٠ دشت نیز فراتر رفت.

با تراکم مسائل و پرسش‌ها، موضوع «**سازگاری با کم‌آبی**» به علت شرایط و محدودیت‌های مالی دولت رفته‌رفته جدی‌تر شد و حتی یک گروه فرابخشی در دولت به همین نام تشکیل شد. توجه به وظایف شهرداری‌ها در این زمینه از نظر انتخاب نوع گیاهان و روش آبیاری و منبع تأمین آب برای فضای سبز شهری بیشتر از گذشته مورد توجه عموم قرار گرفت. نحوه جمع‌آوری رواناب‌ها و بخشی از فاضلاب‌های شهری و استفاده از آن برای کشت سبزیجات از مشکلات رو به گسترشی بود که نمی‌توانست نادیده گرفته شود. این موضوع از یک طرف لزوم تسریع در اجرای طرح‌های عظیم جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب‌های شهری را مطرح، و از طرف دیگر برای استفاده از پساب‌ها به‌منظور تقویت تغذیه ذخایر آب زیرزمینی، رقیب‌های جدیدی چون مصارف صنعتی، آب‌نماها، فضای سبز و کشاورزی را نیز وارد میدان کرده است، **یک مویز و چهل قلندر!**

اتفاق مهم چیست؟

اکنون فرصت نادری برای مشارکت عموم در مباحث مـدیریت آب پیش‌آمده است. و درست در همین جاست که پرسش عمده‌ای باید طرح شود:

آیا انباشت این موضوعات، واژه‌ها و اصطلاحات، تعارض‌هـا و ابهام‌ها در میان کـنش‌هـا و واکـنش‌هـا و بحـث و جـدل‌هـا می‌تواند- بدون تحولات فرهنگی و اجتماعی و گسترش فضای گفت و گو و تصمیم‌گیری- راه بجایی ببرد؟

پاسخ قطعاً منفی است. اگر این پاسخ را بپذیریم چنانکه ظاهراً همه پذیرفته‌اند و از نوعی تحول فرهنگی سخن می‌گویند، اما چه کسان و نهادهایی می‌توانند در این زمینه اقدام کنند و چه اقداماتی تاکنون انجام‌شده است؟

بی‌تردید اقـداماتی چـون نشسـت‌هـای سلسـله‌وار «**آب، فرهنـگ، جامعه**» و بازتاب آن در رسانه‌ها، در زمره پاسخ‌های سنجیده به این پرسش بود، پاسخی برای آغاز گفت و گو و همفکری در جامعه‌ای که روشنفکر و صاحبان تریبون و نخبگان آن تـاکنون کمتـر دربـاره توسعه ناپایدار و عوارض مخرب آن سـخن گفتـه بودنـد. در ایـن اقدام- که با همکاری چهار نهاد **انجمن ایرانی مطالعـات فرهنگـی و ارتباطات، انجمن جامعه‌شناسی ایران، اندیشـکده تـدبیر آب ایـران و مرکز مطالعات استراتژیک ریاسـت جمهـوری** برنامـه‌ریـزی و اجـرا می‌شد- بیشتر افراد صاحب نام و شناخته‌شـده در عرصـه فرهنـگ، جامعه و آب حضور یافتند و بر حسب دانـش و برداشـت خـود از

موضوع سخن گفتند. بخشی از پیامدهای این اقدام در میانه راه نشست‌ها در شهریور ۱۳۹٤ توانست در ویژه‌نامه بحران آب ضمیمه اقتصادی روزنامه شرق باعنوان: «**ایران در جستجوی آب، آب در انتظار تدبیر**» بازتاب یابد. در این ویژه‌نامه، ۱۰ پرونده به قلم ۲۷ نویسنده از خبرگان و صاحبان تریبون دولتی و غیر دولتی درباره آب مطرح شد. نشست‌های آب، فرهنگ، جامعه ادامه یافت و شاید بتوان دستاورد مهم آن را ایجاد رخنه در انحصار اطلاع‌رسانی و تحلیل حوزه آب توسط متخصصین فن‌محور این رشته و حضور مستقل رشته‌های مختلف علوم اجتماعی برای مطرح‌کردن آب به‌عنوان موضوعی اجتماعی دانست. در عین حال، هر چند که در این نشست‌ها تلاش و زمینه‌سازی برای گفت و گو میان اعضای «میز مدیریت» و همچنین میان شرکت‌کنندگان هم مشاهده می‌شد، اما مانند اغلب نشست‌ها عمدتاً از زمان برای ارائه نظرات شخصی استفاده می‌شد. از این نظر شاید برگزاری میزگردها با محدودکردن تعداد شرکت‌کنندگان می‌تواند اثربخش‌تر باشد. در اینجا باید از اقدامات «گفت و گوگرانه آب» مشابه دیگر مانند «**شب آب خراسان**» و نظیر آن نیز یاد کرد. البته ارزیابی بازخوردهای انتقادی این نشست‌ها هم بیانگر کاستی‌های فراوان و راه طولانی است که باید پیموده شود.

پرسش مهم و پاسخ‌های محتمل

در حال حاضر گفت و گو و هم‌اندیشی جامعه درباره آب، هم از دیدگاه جامعه و از دیدگاه حاکمیت و دولت امری اجتناب‌ناپذیر است. از دیدگاه جامعه خطرهای مرتبط با آب عمیقاً احساس شده و نیاز است تا نسبت به این احساس، کنش و واکنش جمعی نشان داده شود. از این رو گفت و گو، هم التیام‌بخش است و هم آگاه‌کننده و مسئولیت‌آفرین. دولت هم باید، هم در درون لایه‌های خودش و هم با جامعه درباره آب گفت و گو کند، چون برای برداشتن هر قدمی به همراهی و هماهنگی درونی و بیرونی نیاز دارد. انسان تا موضوع را به درستی نفهمد، همراه نمی‌شود.

در حالی که تلاش می‌شود مسئله آب، فارغ از ابعاد و مشکلات اجتماعی آن، به وجوه فنی و تکنولوژیکی فروکاسته شود، امکان واقع‌بینی و گفت و گوی عمومی از آن سلب می‌شود. کمبودها و خسارت‌های آشکارشده بیش و پیش از آنکه مسئله‌ای صرفاً اقلیمی و زیست‌محیطی، یا استفاده‌نکردن از فناوری‌های روز باشد، مسئله‌ای در مناسبات اجتماعی و نحوه کاربست فناوری‌های جدید چون چاه‌های عمیق، سدهای مخزنی، تونل‌ها و ایستگاه‌های پمپاژ عظیم است. یعنی، ریشه‌های بروز مسئله آب در کشور، بیش و پیش از هرگونه تغییر و تحولی در شرایط اقلیمی، باید در عوامل و وجوه انسانی و اجتماعی جستجو شود. در غیر این صورت بحران و مخاطرات اجتماعی آب با فهم نادرست عمومی، مدیریت غلط

اجرایی و مشارکت اندک اجتماعی، همچنان باقی می‌ماند و بیشتر هم می‌شود.

اگر فرصت فهم مسئله ملی، توسعه ملی و اقدام ملی تنها از طریق گفت و گو حاصل می‌شود، بنابراین جدی‌ترین پرسش در این میان این نیست که چطور آب موضوع گفت و گو شود، که شده است، بلکه این است که چگونه می‌توان درباره مسئله آب درست گفت و گو کرد؟

در این مجال می‌توان به برخی از نکات احتمالاً مهم برای رسیدن به فضای گفت و گوی درست درباره آب به شرح زیر اشاره کرد:

- **به نظر می‌رسد همه سطوح محلی به ناچار و از سر اضطرار نسبت به مسائل خود درباره آب حساس و تا حدودی فعال شده است، امّا باید مدار و محور این حساسیت و فعالیت‌ها با سطوح بالاتر یعنی حوضه آبریز و سطح ملی تناسب و سازگاری پیدا کند، تا جامعه گرفتار منازعات محلی نشود.**
- **فضای نشست‌ها باید در خدمت تقویت ساز و کارهای غیر متمرکز اقتصادی و اجتماعی، و برمدار توافق و همدلی و به دور از تبلیغات و دستور و یک‌جانبه‌گرایی باشد تا عرصه عمومی وسیع‌تر شود، صداهای ناشنیده به گوش برسد، مشارکت همگانی افزایش یابد و نظاره‌گرها به مشارکت‌کننده‌ها و مشارکت‌های غیر فعال به فعال تبدیل شوند.**
- **حضور و نقش نهادهای مدنی در فرایند اصلاح انگاره‌ها درباره آب و تصور عمومی و ارتقای سطح فرهنگ عمومی تعیین‌کننده**

است. این اقدام از مسائلی است که در درجه اول باید به وسیله نهادهای غیر دولتی و رسانه‌ها صورت گیرد و دولت را نیز شامل شود.

- شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی در این میان نقش‌های پررنگ‌تر دارند. باید به نهادهای خودانگیخته، کمپین‌ها و رسانه‌های محلی توجه ویژه داشت. نشریه‌های محلی نیز در این میان می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. نوشتارها و گفتارها باید از تحریک و مناقشه به دور و با ادبیات علمی و آرام همراه و راه‌حل‌گرا باشد تا اطلاعات درست و شفاف از طریق آن به جامعه منتقل شود.